

مواجهه ایرانیان با اسلام

● کتاب «جنبش‌های اجتماعی در ایران پس از اسلام» اثر رضا رضازاده‌لنگرودی، جنبش‌های سیاسی، جنبش‌های اعتقادی و جنبش قرمطیان را در مناطق مختلف ایران در فاصله قرن‌های اول تا پنجم هجری بررسی می‌کند؛ از ابومسلم خراسانی و مُقَتَّع تا مرداویج گیلی، از فرقه مُرجئه تا ابن‌مقفع و خرمدینان و در آخر قرمطیان در بحرین و یمن و خراسان. نویسنده با بهره‌گیری از منابع فراوان تصویری جامع از کنش‌گران تاریخ‌ساز در این عصر در دل تعارضات قدرت و مناقشات دینی به دست می‌دهد. ویراست اول این کتاب در سال ۱۳۸۵ چاپ شد که مجموعه‌ای از ه مقاله بود. در ویراست دوم مؤلف مقالات مستقلی را که در چند دهه پیش در دانشنامه‌ها و کتب دیگر چاپ شده بودند، گردآوری و بازنگری کرده و در نهایت با افزودن یازده مقاله جدید، مجموعه‌ای از بیست مقاله درباره جنبش‌های اجتماعی–سیاسی فراهم آمده است. سه مقاله این مجموعه درباره جنبش‌هایی است که در خراسان رخ داده است. مقاله نخست درباره جنبش‌های سیاسی بخارا در عصر ابومسلم خراسانی است. فصل دوم جنبش هاشمیه و زندگی یکی از نخستین رهبران آن «خداش» را بررسی می‌کند. فصل سوم شرح زندگی و مبارزه استادسیسی، پیشوای سیاسی و دینی خراسان و سیستان در اواخر دوره منصور (متوفی ۷۷۵ میلادی) دومین خلیفه عباسی است. مقاله بعد پژوهشی است درباره مقنع و جنبش روستایی سپیدجامگان، یکی از مهم‌ترین قیام‌هایی که در خراسان در عصر خلافت مهدی عباسی در سده دوم هجری شکل گرفت. نویسنده شرح‌های مربوط به مقنع را با توجه به تضاد روایت‌های مختلف، در منابع فارسی، عربی و در تحقیقات و منابع جدید پی می‌گیرد. فصل بعد به حمزه آذروک رهبر خوارج در سیستان و خراسان در دوره خلافت عباسیان نخستین می‌پردازد. فصل بعد به حسن اطروش از فرزندزادگان امام حسین و سومین فرمانروای علویان طبرستان در سده سوم هجری می‌پردازد. دو مقاله بعد به جنبش مرداویج و اسفار بن شبرویه اختصاص دارد. مرداویج زباری، حکومتی بی‌نهاد که فرمانروایانش از سال ۱۶ تا ۴۷۰ هجری بر بخش‌هایی از نواحی کرگان، قومس، طبرستان، دلم، کرگان، قروقین، ری، اصفهان و خوزستان استیلا داشتند.

عنوان مقاله دهم «برخورد اندیشه‌های سیاسی در اسلام؛ پژوهشی در مرزچه» است. اندیشه‌های سیاسی «مرحله» یکی از نخستین جریان‌های کاری سیاسی در سده‌های آغازین دوره اسلامی بود و نقش مؤثری در عرصه فکری و سیاسی جهان اسلام داشت. در این مقاله ابعادی از فعالیت مرچه در خراسان بررسی و از آن به‌عنوان مرحله دوم تاریخ مرچه یاد شده است. در سده‌های نخستین اسلامی، مهم‌ترین اختلاف‌ها بین خوارج و شیعه و مرچه و معتزله بود که بعدها ریشه و شالوده اختلاف بین گروه‌ها و فرقه‌های اسلامی شد و موجبات شکل‌گرفتن و تکامل یافتن مذهب رسمی و دولتی سنی را فراهم آورد. مقاله بعد به خرم‌دینان می‌پردازد، عنوان گروهی از مخالفان عباسیان به‌ویژه پس از کشته‌شدن ابومسلم خراسانی در سده دوم هجری، در سرزمین‌های غربی و شمال غربی ایران و مخصوصاً آذربایجان. در آیین مزدکی یکی از چهار نیروی روحانی حاکم بر جهان، سرور است، بنابراین واژه حرم را مؤید انتساب خرمیان به مزدکیان می‌دانند و اگر هم اصل‌تامل باشد، مانند مزدکیان برخی چیزها را مشترک و مباح شمرده‌اند. نکته مهم آن است که مزدکیان و خرمیان پیش از بابک سبیه و روش دیگری داشتند. آنان مردمی بودند دهقان و نیکوکار و پرهیزکننده از خون‌ریزی، اما بابک به این جنبش شدت بخشید و به جنگ و کشتار و غارت کاروان‌ها روی آورد.

مقاله بعدی به زنادقه در سده‌های نخستین دوره اسلامی اختصاص دارد. روی کار آمدن عباسیان در زندگی و اوضاع عمومی کشورهای اسلامی، عنصر و عامل جدیدی پدید آورد که در میان اسلاف بلافصل عباسیان تقریباً به‌کلی ناآشنا بود؛ یعنی پیگرد و آزار زنادقه. البته معیارهای تعریف «زندقه» و تحدید مفهوم «زندیق» همواره در تغییر بوده است، زیرا مثلاً آنچه در زمان مامون و معتصم عباسی زندقه دانسته می‌شد، در دوره خلافت متوکل به گونه‌ای دیگر تعبیر می‌شد. مقالات بعدی به زندگی ابن مقفع و جنبش نقطوی محمود پسرخانی، از شاگردان فضل‌الله استرآبادی و بنیانگذار مکتب حروفیه می‌پردازد. قیام قرمطیان، جنبش قیام قبایل فقیر بدوی، روستاییان و پیشه‌وران تهیدست سوریه، عراق، بحرین، یمن، ری، فارس، شمال ایران، خراسان و ماوراءالنهر علیه نظام حاکم و قدرتمندان در سده‌های سوم و چهارم هجری بود. جنبش‌های قرمطیان در مناطق تحت نفوذ در مقاله‌های پایانی کتاب بررسی می‌شود.

جنبش‌های اجتماعی در ایران پس از اسلام

رضا رضازاده‌لنگرودی

ناشر: نشر نو

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

گروه اندیشه: دوران پس از رحلت پیامبر اسلام سال‌هایی پرخاصه و پرمناقشه است که به دوران خلفای راشدین معروف است. حکومت اسلامی با هجرت پیامبر به مدینه تأسیس شد و با رحلت رسول اکرم گفت‌وگوها و مجادلات بر سر آنچه خلافت نامیده شد، آغاز شد. ازاین‌رو، مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوع این دوران در میان متفکران و پژوهشگران تاریخ اسلام مسئله جانشینی پیامبر بوده است. آخرین کتاب حاتم قادری، که به‌تازگی به همت نشر پارسه منتشر شده، تحولات تاریخی این دوره را با استناد به منابع متعدد بررسی می‌کند. او در کتاب «تحول مبانی مشروعیت خلافت: از آغاز تا فروپاشی عباسیان» دو مبحث سیاسی «مشروعیت» و «خلافت» را در اسلام باز کرده و می‌کوشد پیدایش و سیر تطور خلافت را بدون جانبداری ایدئولوژیک با باورهای موجود در این زمینه بررسی و ترسیم کند. دوره تاریخی مورد بررسی قادری در این کتاب از سال ۱۱ هجری است – سال وفات پیامبر و تأسیس نهاد خلافت در سقیفه مدینه و انتخاب ابوبکر به‌عنوان اولین خلیفه – تا سال ۶۵۶ هجری که سال فتح بغداد به دست مغولان و فروپاشی عباسیان است و پایان کار پژوهش این کتاب.

به نظر قادری «درون‌فهمی آرا و اندیشه‌های متفاوت با اصول و باورهای متعارف و ارائه آنها به طریق روشمند، شایسته و بایسته هر جامعه‌ای است که داعیه‌دار فرهنگ و تفکر بوده باشد». او در چنین زمینه‌ای می‌کوشد در پژوهش حاضر به این سؤالات پاسخ دهد: آیا مجموعه نظریات مرتبط با نهاد خلافت بر اساس طرح ثابت و پیشینی بوده است؟ آیا مشروعیت متکی بر نظریات خلافتی از گونه پیشینی بوده است؟ البته این کتاب در مورد دو دیدگاه اصلی میان مسلمانان، یعنی دیدگاه و باور شیعیان و دیدگاه اهل تسنن، داوری و قضاتی نمی‌کند، هرچند در کل کتاب و متناسب با موضوعات مطروحه به دیدگاه شیعیان نیز توجه دارد. برای مثال، یکی از توجهات کتاب حاضر حول این محور است که دیدگاه‌های یادشده در تقابل با یکدیگر معنی شده و سیر کلامی آنها در تأثرت از یکدیگر تکوین شده‌اند. این کتاب در اصل رساله دکترا قادری در رشته علوم سیاسی و با گرایش فلسفه سیاسی است. حاتم قادری درحال حاضر استاد فلسفه و علوم سیاسی دانشگاه تربیت‌مدرس است. ازجمله آثار او می‌توان به «اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران»، «آزادی و وجدان»، «آرمان‌شهر: ادیسه یا دن‌شیکوت»، «سقراط در آینه آپولوژی»، «ایران و یونان: فلسفه لایلای سیاست و در بستر تاریخ»، «سویه‌های هویت»، «اندیشه در مرز»، «فلسفه سیاسی کلاسیک اسلامی»، و «شناخت امپریالیسم و دیدگاه اسلام» اشاره کرد.

دو موضوع اصلی کتاب حاضر «مشروعیت» و «خلافت» است؛ به عبارتی دیگر، رابطه مشروعیت با استقرار و انتقال قدرت، البته در این کتاب واژه «مشروعیت» در قاموس اهل سنت مورد توجه است و بر همین اساس نویسنده می‌کوشد نحوه برآمن نظریه از «امر واقع» و تحولات آن را به بحث بگذارد و تأکید دارد نباید این مشروعیت برخاسته از عمل برخی متشرعین را با مشروعیت در قاموس شیعی یکی دانست. او نشان می‌دهد که مشروعیت انتقال قدرت در سطح خرد بیشترین اهمیت خود را در دوران خلفای راشدین پیدا می‌کند که هر یک از موارد آن زمینه‌ساز نوعی از مشروعیت است و موارد انتقال قدرت به ابوبکر پس از رحلت پیامبر و از

«درکشاکش دین و دولت» عنوان تازه‌ترین اثر محمدعلی موحّد است. کتاب حاضر حاصل پژوهش‌های موحّد درباره رابطه میان دین و دولت در اسلام و ارتباط ایران و ایرانیان با این مسئله است. او در کتاب حاضر دوران ۳۰ساله پس از رحلت پیامبر اسلام در سال ۱۱ هجری را تا صلح امام دوم شیعیان با معاویه در سال ۴۱ هجری روایت می‌کند و به گفته خودش می‌کوشد «با دقت در مضمون روایت‌های مورخان و تعمق در زیر و بم آن‌ها، تصویری بالنسبه معقول و قابل اعتماد از آن دوران به دست دهد». بر این اساس، موحّد از دو منظر می‌کوشد به این دوران ۳۰ساله بپردازد: ۱) منطری که عمده تمرکزش بر مقوله شکل‌گیری و تأسیس حکومت اسلامی و مقوله خلافت است، ۲) از منطری که متمرکز است بر نزاع‌های برآمده از شکل‌گیری این حکومت. برای مثال، موحّد در بخش «نگاه اول» از فصل اول کتاب به مقولاتی مانند «تصویری از حکومت در صدر اسلام»، نسبت ساخت حکومت خلیفه‌ای با ساخت پادشاهی، ابعاد مقوله بیعت و مسائلی از این دست پرداخته و در بخش «نگاه دوم» به مقولاتی همچون «نزاع در میان قریشیان»، «نخستین ترویر سیاسی در اسلام»، «چگونه مسلمانان بر خلیفه شوریدند»، «نزاع خانگی و ماجرای جنگ شتر» و... می‌پردازد. موحّد در یکی از جلسات نقد و بررسی این کتاب تأکید کرده بود که هیچ مطلبی در کتاب حاضر بدون سند نیامده است. او اسناد موجود در این کتاب را از معتبرترین اسنادی می‌داند که در دسترس پژوهشگران است؛ هرچند تاریخ کتابت این وقایع به ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال بعد از این وقایع برمی‌گردد. او مخالف کسانی است که می‌گویند اسناد و متون باقی‌مانده از صدر اسلام غیر قابل استناد هستند. اسناد باقی‌مانده از صدر اسلام را به چند دسته تقسیم می‌کنند: اسنادی که اعراب فاتح نوشته‌اند که به قول موحّد می‌توان درک کرد از شجاعت‌های خودشان بنویسند؛ اسنادی که طوایف عرب عراق نوشته‌اند و به قول نویسنده کتاب معلوم است آنها

تاریخ

آخرین کتاب حاتم قادری منتشر شد

خاستگاه مشروعیت خلافت در تاریخ اسلام



حاتم قادری

شده که نویسنده در این فصل به اختصار ضمن پرداختن به «اجماع» مسلمانان در باب ضرورت حکومت می‌کوشد برداشتی آغازین از مشروعیت به دست دهد. البته نویسنده تأکید دارد که این مفهوم بنا بر شرحی که در این فصل می‌آید و در فصول دیگر از جمله نظریات خلافت و همچنین فصول استقرار و انتقال قدرت خلفا تأیید می‌شود، مفهومی سیال است و نباید با آن مانند یک مفهوم معین و بسته برخورد کرد. به همین اعتبار، نویسنده در فصلی دیگر به تبیین نحوه پیدایش نهاد خلافت، ماهیت قدرت خلیفگی و واژه‌های مرتبط با آن می‌پردازد. در این فصل شکل‌گیری اولیه مفاهیم بررسی و نشان داده می‌شود که چگونه این مفاهیم، مفاهیمی متشرعانه بودند و تأکید دارد نباید تکوین و نمو آنها را مانند مسائل وراثتی بود، یکی از مهم‌ترین مسائل در این زمینه است. بررسی قادری در این کتاب نشان می‌دهد که پیدایش نهاد خلافت و سایر مسائل مرتبط با آن، با توجه به ابعاد گوناگون جامعه اسلامی موضوعیت یافت و «وجود شعور و اشرف بر آن و ایضا گستردگی این آگاهی نسبت به تکوین و نمود آن امر متاخر است».

حاتم قادری

تحول مبانی مشروعیت خلافت از آغاز تا فروپاشی عباسیان

ناشر: کتاب پارسه

چاپ اول: ۱۳۹۸

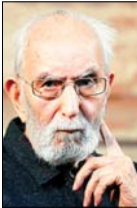
قیمت: ۵۲۰۰۰ تومان

نویسنده بر این باور است که این شرایط از دل تعلیم و تربیت و جامعه اسلامی و شرایط آن در هر دوره خاص برمی‌خاست. برای مثال به مباحثی مانند اسلامیت فرد و مسئله ایمان اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که این مسائل پس از قتل عثمان و ایجاد و گسترش شورش آشوب در جوامع اسلامی گسترده شد. به نظر قادری اینکه آیا عثمان خلیفه‌ای بحق بود و اینکه آیا قاتلان عثمان برای کار خود جحتی داشتند یا نه و مسائلی از این دست، جامعه اسلامی را به طوری جدی با شرایط خلیفه و الزامات نهاد خلافت روبه‌رو کرد که تا پیش از آن مطرح نبود. نویسنده به نمونه‌ای دیگر از دوره امویان اشاره می‌کند که با انتقال حکومت و خلافت به امویان و به‌کارگیری شیوه‌های استیلاطلبانه از سوی خلفای این خاندان و دورشدن از سیره خلفای سلف مباحثی مانند ظلم و فسق درباره خلیفه اهمیت بیشتری یافت و سؤالاتی مطرح شد؛ از این قبیل که آیا ظالم و فاسق می‌تواند خلیفه باشد؟ ماهیت ظلم و فسق چیست؟ وظیفه امت در چنین شرایطی چیست؟ تکلیف اعمال امت مانند نماز جماعت و حج و... که در ارتباط مستقیم با خلافت است، چیست؟ قادری نشان می‌دهد که گستردگی جامعه اسلامی و نیازهای حقوقی چنین جامعه‌ای برای مواجهه با این قبیل پرسش‌ها به‌تدریج باعث شد مجموعه‌هایی فقهی به وجود آید که تا پیش از آن چندان مطرح نبود. او معتقد است از یک سو مباحث کلامی–سیاسی و از سوی دیگر نیازهای طبیعی جامعه‌ای رو به گسترش، پیدایش مکاتب فقهی–کلامی را اجتناب‌ناپذیر کرد. قادری در فصلی دیگر از کتاب

نیز به تأثیر آرای ایرانیان و یونانیان باستان بر نظریات خلافت می‌پردازد. بررسی تاریخ دورانی که از وفات پیامبر آغاز می‌شود و با انتقال خلافت به امویان به پایان می‌رسد، مشکلات و حساسیت‌های بسیاری دارد که از جمله این مشکلات و حساسیت‌ها می‌توان به شکل‌گیری الگوهای سیاسی–مذهبی ادوار بعدی اشاره کرد که به نظر قادری منابع و فهم تاریخ گذشته را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. او با اشاره به این نکته که هر دو جریان اصلی، یعنی تشیع و تسنن، توجیه و مشروعیت خود را تا حیات پیامبر به عقب می‌برند، نشان می‌دهد دعای مطرح‌شده در مجامع سیاسی – مذهبی صدر اسلام و آنچه آشکارا در دهه‌های اول ایراد و اقامه می‌شد، با اسناد ارائه‌شده از سوی فرقه‌های سیاسی – مذهبی شکل‌گرفته در قرون بعدی تفاوت‌هایی دارند.

مع‌الوصف، قادری در این کتاب به دنبال بررسی صحت و سقم این اسناد و نحوه شکل‌گیری و جمع‌آوری‌شان نیست؛ بلکه می‌کوشد روایت آشکار عمومی تاریخ را بررسی کند. برای مثال او اشاره می‌کند که از نظر اهل سنت پرداخت نظریه از متن وقایع یک فرضیه بود و این مسئله را یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های تشیع و تسنن می‌داند. به نظر او تسنن در مجموع دیدی تاریخی به قضایا داشته و به تعبیری «تاریخمند» است؛ درحالی‌که تشیع به جنبه‌های باطنی علاقه‌مند است. قادری خاستگاه مشروعیت خلافت را در این تاریخ‌مندی می‌داند و تأکید دارد تحول آن نیز در انطباق با تغییرات متن وقایع صورت گرفت. به نظر او، تاخر نظریه بر عمل نقشی دوگانه برای آرای خلافتی اهل سنت داشت: «از یک سو ارتباط آنها را با واقعیات حفظ کرد و از سوی دیگر این خطر را در طحن خود پروراند که نظریه به حد خادم امر واقع تنزل یابد».

ناعادلانه جامعه ساسانی و تأثیر آن در پیروزی اعراب می‌پردازد. فصل سوم، بر «آرمان دیوان و دیوان‌سالاران»، از منطری اقتصادی به مقوله فتوحات می‌پردازد. نیمه اول این فصل پیشینه دیوان‌سالاری نزد مسلمانان را تا پیش از فتوحات بررسی می‌کند و بر مقولاتی نظیر «خالصه‌جات»، «بطایح»، «انواع درآمدهای دیوانی»، «دفاتر مساحی»، «مالیات سرانه»، «بیت‌المال» و... می‌پردازد. نیمه دوم فصل حاضر نیز به بررسی نوآوری‌های دوران فتوحات در زمینه‌های مالی اختصاص دارد و به مقولاتی می‌پردازد همچون جایگاه خراج و جزیه در نظام اقتصادی اسلام، آن‌هم با تمرکز بر آنچه در قرآن و نیز شاهنامه فردوسی در این زمینه ذکر شده است. «آغاز تأسیس دیوان در اسلام»، «ارایزی عمر با صحابه» و «خراج در عراق و ایران» از جمله مباحثی است که در این فصل بررسی می‌شود. منابع اصلی و فرعی درآمد دولت نیز از دیگر مباحث فصل سوم است. موحّد منابع فرعی درآمد دولت را «صوافی، هدایای نوروز و مهرگان، عوارض بازارکی و...» می‌داند. فصل چهارم، با عنوان «ایرانیان در میان تازیان»، روایتی است از «روابط آغازین ایرانیان با مسلمانان». نویسنده در این فصل مقولاتی نظیر «ایرانیان در خدمت پیامبر»، «نامه پیامبر به خسروپرویز»، «سوره روم»، «ایرانیان در یمن»، «جانبداری ایرانیان یمن از اسلام» و مسائلی از این دست را بررسی می‌کند و سپس به فرایند گرویدن ایرانیان به اسلام می‌پردازد. در ادامه همین خط سیر روایی، نویسنده در فصل پنجم، با عنوان «تازیان در ایران»، به گسترش فتوحات اعراب در مناطق داخلی سرزمین ایران ازجمله اصفهان، کاشان، ری، فارس، کرمان، سیستان، آذربایجان و خراسان می‌رسد و عهدنامه‌ها و امان‌نامه‌هایی را مرور می‌کند که میان ایرانیان و اعراب منعقد شده است. فصل آخر کتاب نیز با عنوان «قصه شکفت خارجی‌گری و پدیده قرا»، به شکل‌گیری خوارج در اسلام اختصاص دارد و حتی به حضور خوارج در ایران نیز می‌پردازد.



دکشاکش دین‌ودولت
محمدعلی موحّد
ناشر: ماهی
چاپ اول: ۱۳۹۸



اسلام در شبه‌قاره

● مسلمانان نزدیک به ۱۴ قرن در جنوب آسیا حضور داشته‌اند و ۴۰ درصد از جمعیت انبوه ساکن در این منطقه وسیع جهان از این دین پیروی می‌کنند. سهم مسلمانان در میراث فرهنگی شبه‌قاره چشمگیر است. کتاب «تمدن اسلامی در جنوب آسیا» شرحی جامع از تاریخ اسلام در هند ارائه می‌دهد که دربرگیرنده جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اندیشه‌ورزی مسلمانان است. بوررجور آواری، نویسنده و پژوهشگر هندی، در این کتاب نگاهی تاریخی به سابقه و تأثیر حضور مسلمانان در جنوب آسیا را بررسی می‌کند. نویسنده در این کتاب سعی دارد با بررسی ریشه اولین ارتباطات شکل‌گرفته میان مسلمانان و مردم جنوب آسیا به‌ویژه در شبه‌قاره شامل کشورهای هند، پاکستان و بنگلادش، به این پرسش پاسخ دهد که آنها در شکل‌گیری فرهنگ شبه‌قاره چه نقشی ایفا کرده‌اند؟ نویسنده با استفاده از یک چارچوب وقایع‌نگارانه و ذکر وقایع به ترتیب تاریخی از نخستین روزهای حضور اسلام تا دهه نخست هزاره دوم، رخدادهای مهم را بازگو می‌کند. تمرکز بحث بر نحوه تلاش مسلمانان برای دستیابی، حفظ و اعمال اقتدار سیاسی خود، بحران هویت و تزلزل اعتماد به نفس مسلمانان با ورود استعمار غرب به شبه‌قاره و سرانجام ترکیب و درهم‌آمیزی هندوئیسم و اسلام در حیات و زندگی روزمره هندیان مسلمان است. وجود نقشه‌ها، تصاویر، جداول سلسله‌های پادشاهی مسلمان هند در انتها و پیوست‌هایی در پایان هر فصل به انتقال بهتر محتوای اثر کمک می‌کند. واژه قدرت در عنوان فدرال به حکومت سلاطین مسلمان و والیان آنها بر نواحی متعدد جنوب آسیا در سده‌های بسیار اشاره دارد. اوج دوره نفوذ آنان از اواسط سده دهم (شازدهم میلادی) تا اواخر سده یازدهم (هفدهم میلادی) است که طی آن چهار امپراتور بزرگ تیموری در عمل بر سراسر شبه‌قاره حکم راندند. سلطان و ملازمان او اساساً گروهی نخبه از قومی جنگجو از آسیای مرکزی بودند، با این همه اکثریت عظیم مسلمانان قدرتی افزون‌تر از دیگر گروه‌های جنوب آسیا نداشتند. واژه «تمدن اسلامی» عموماً به پیشرفت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به‌دست‌آمده از سوی مسلمانان در روزهای اوج امپراتوری اسلامی تحت حکومت سلسله‌های اموی و عباسی بین سده‌های دوم تا چهارم (هشتم تا دهم میلادی) اطلاق می‌شود. در هر یک از مناطق جهان که نفوذ مسلمانان در طی آن دوره یا بعدها در آنجا گسترش یافت، چنین پیشرفت‌هایی از طریق تعاملی دربار، مسلمانان اندیشه‌ها، ارزش‌ها، زیبایی‌شناسی و قدرت تخیل مسلمانان با مؤلفه‌های ساکنان بومی ممکن شد. اما محصول نهایی همیشه انتقادی بود. همین پدیده را می‌توان در مورد تمدن اسلامی که در جنوب آسیا طی سده‌های گسترش یافته است، شاهد بود. این تمدن نمونه بومی‌شده‌ای است که به شکل منحصربه‌فردی توسعه یافته و می‌توان آن را تمدن هندواسلامی نامید.

در زمان کنونی که تنش میان مسلمانان و غیرمسلمانان در بخش‌های زیادی از دنیا به سطح خطرناکی رسیده است، شاید بررسی برخی بدفهمی‌ها و مغلطه‌های عمومی دربارهٔ مسلمانان جنوب آسیا آموزنده باشد؛ بدفهمی‌هایی که از بی‌اعتنایی عمومی نسبت به واقعیت‌های تاریخی و جاری با تعصب محض برخاسته است. نویسنده به چهار نمونه از این بدفهمی‌ها اشاره می‌کند: تکران و تئیموریان می‌رسد. در این میان آنچه اغلب فراموش می‌شود، آن است که مسلمانان با شبه‌قاره از آغاز اسلام رابطه و آشنایی داشتند. بدفهمی دیگر درباره آمارهای جمعیتی است. از نظر نویسنده محافل اسلام‌ستیز، به‌ویژه در هند امروزی، اغلب در شمار مسلمانان می‌لغاه می‌کنند و ازدیاد آنها را به چندمسیری نسبت می‌دهند در حالی که در چند دهه اخیر همراه با دیگر مردم جهان در حال توسعه، جمعیت مسلمانان در جنوب آسیا به‌وضوح به سبب نرخ بالای تولد و نرخ پایین مرگ و پیشرفت‌های جدید پزشکی رشد کرده است. بدفهمی سوم مربوط به مسئله تغییر دین جمعیت غیرمسلمان است. در حالی که علت عمده گرویدن به اسلام در مقیاس بزرگ در تلاش‌های سه گروه نهفته است: دریانوردان، تجار و مبلغان. آخرین مسئله دردرساز اتحاد و گوناگونی در داخل جامعه مسلمان در جنوب آسیا است. غیرمسلمانان بسیاری اغلب بر این باورند که مسلمانان جامعه‌ای کاملاً همگن و یکپارچه دارند. این باور تا آنجا صحیح است که مسلمانان از نمونه یگانه زندگی پیامبر و عبادات و اعمال او پیروی می‌کنند. در بسیاری جنبه‌های دیگر، آنان مردمی متفاوتند و بین آنان به لحاظ قومیت، زبان، ویژگی‌های فرقه‌ای، طبقه، تحصیلات، شغل و ثروت جدایی وجود دارد.

تمدن اسلامی در جنوب آسیا

بوررجور آواری

ترجمه: افسانه منفرد

ناشر: اختران

قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان